



- آیات نور

غیبت کردن نوعی در ندگی است

حجت الاسلام قرائتی در تفسیر آیه ۱۲ سوره حجرات با این مضمون: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری گمان ها دوری کنید زیرا بعضی گمان ها گناه است و در کار دیگران تجشش نکنید و بعضی از شما دیگری را غیبت نکند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ هرگز، بلکه آن را ناپسند می‌دانید و از خدا پروا کنید، همانا خداوند بسیار توبه پذیر مهربان است.» نکاتی را ذکر کرده‌اند که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱- ایمان، تعهدآور است و باید از برخی افکار و اعمال دوری کنید. ۲- برای دوری از گناهان حتمی، باید از گناهان احتمالی اجتناب کنیم. ۳- در جامعه ایمانی، اصل بر اعتماد، کرامت و برائت انسان هاست. ۴- برای جلوگیری از غیبت باید زمینه های غیبت را مسدود کرد. راه ورود به غیبت، اَوَّل سوء ظن و سپس پیگیری و تجشس است، بنابراین قرآن به همان ترتیب نهی کرده است ۵- گناه، گرچه در ظاهر شیرین و دلنشین است ولی در دید باطنی و ملکوتی، خیانت و تنفرآور است. ۶- در شیوه نهی از منکر، از تعبیرات عاطفی استفاده کنیم. ۷- غیبت و بدگویی از دیگران حرام است، از هر سن و نژاد و مقامی که باشد. ۸- غیبت کردن، نوعی دردنگی است. ۹- عنذپذیری خداوند، همراه با رحمت است.

بر گرفته از تفسیر نمونه

- داستان واقعی

پول توجیبی اش را می‌داد به فقرا

پدر شهید علی اکبر خندانی درباره کمک فرزند شهیدش به یتیمان و فقیران نقل می‌کند:هر روز مبلغ ۲۰ تومان به عنوان پول توجیبی به علی اکبر می‌دادم تا صرف کرایه از منزل تا مدرسه و کارهای جانبی و خریدهای مدرسه اش کند، اما او از منزل مان که در روستای فقیره بود تا دبیرستان ابن سینا در همدان پیاده می‌آمد و تمام پولش را به یکی از بچه‌های یتیم روستا می‌داد. این در حالی بود که من اصلا از این قضیه اطلاعی نداشتم و بعد از شهادتش از همان بچه یتیم شنیدم که پول هایش را به او و دیگر بچه های یتیم و فقیر می داده است. برگرفته از کتاب «یک جرعه آفتاب»

- یادش بخیر



- داستانک

یک پروژه دانشجویی تامل برانگیز

دانشجویی که سال آخر دانشکده خود را می گذراند به خاطر پروژه‌ای که انجام داده بود جایزه اول را گرفت. او در پروژه خود از ۵۰ نفر خواسته بود تا دادخواستی مبنی بر کنترل یا حذف ماده شیمیایی «دی‌هیدروژن منواکسید» توسط دولت را امضا کنند و برای این دادخواست خود دلایل زیر را مطرح کرده بود:
۱- مقدار زیاد آن باعث عرق کردن زیاد و استفرغ می شود.
۲- یک عنصر اصلی باران اسیدی است.
۳- وقتی به حالت گاز در می‌آید بسیار سوزاننده است.
۴- اشتقاق تصادفی آن باعث مرگ فرد می‌شود.
۵- باعث فرسایش اجسام می‌شود.
۶- روی ترمز اتومبیل‌ها اثر منفی می‌گذارد.
۷- حتی در نومورهای سرطانی یافت شده است.
۵نفر ۴۳ نفر دادخواست را امضا کردند. ۶ نفر به طور کلی علاقه‌ای نشان ندادند و اما فقط یک نفر می‌دانست که ماده شیمیایی «دی‌هیدروژن منواکسید» در واقع همان آب است! عنوان پروژه این دانشجو اما مقدر زود باور هستیم؟
بود! منبع: تازمانی یکی بود

- کاریکلماتور



- داستانک

سبب خنده!

کاش هر صبح توبخندی و من از خنده تو

سبب بچینم...

لیلا مقربی

تبدیل قلعه های قدیمی به مکان های گردشگری!



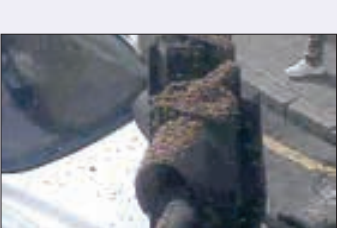
بورد پاندا! دولت ایتالیا به تازگی اعلام کرده است که صدها قلعه قدیمی این کشور را برای بازسازی و تبدیل آن به هتل و مراکز گردشگری به رایگان در اختیار کسانی قرار می دهد که ثبت نام کنند و واجد شرایط باشند. افرادی که قصد دارند این قلعه ها را با ایده هایشان تبدیل به مراکز گردشگری کنند، ۹ سال وقت دارند تا پروژه خود را اجرایی کنند. آن ها می توانند این قلعه های پوشیده شده با درختان را تبدیل به رستوران، هتل یا استخر کنند.

ضبط طولانی ترین برنامه ر ادیویی زنده زیر دریا!



ای را به صورت زنده اجرا کردند که از چندین شبکه امارات متحده عربی و ۴ کانال رادیویی پخش شد. آن ها در حالی این برنامه را اجرا کردند که زیر آوارپوم معروف این هتل توسط صدها حیوان دریایی ازجمله کوسه احاطه شده بودند.

هجوم زنبور ها به لندن!



اسکای نیوز/ گروه عظیمی از زنبور های عسل با حمله به شهر لندن موجب ترس مردم این شهر و تریس بسیار شدند. تجمع میلیون ها زنبور روی چراغ های راهنمایی به حدی بود که مردم قادر نبودند رنگ چراغ قرمز یا سبز را تشخیص بدهند! هر چند این اجتماع میلیونی زنبور ها فقط یک روز مهمان لندنی ها بود اما به طور کامل زندگی و کار را در این شهر مختل کرد و منجر به ترس مردم شد.

- ریشه ضرب المثل

جنگ زرگری از کجا آمده؟!

در روز گاران قدیم هر گاه مشتری به ظاهر پولداری وارد بعضی از دکان های زرگری می شد و از کم و کیف و عیار و بهای جواهر برپرسی می کرد، زرگر فوری بهای جواهر مورد پرسش را چند برابر بهای واقعی آن اعلام می کرد و به شکلی پنهانی زرگر مغازه همسایه را خبر می کرد تا وارد معرکه شود. زرگر دوم که به بهانه‌ای خود را نزدیک می کرد به مشتری می گفت که همان جواهر را در مغازه اش دارد و با بهای کمتری آن را می فروشد. بهای پیشنهادی زرگر همسایه کمتر از بهای زرگر اولی اما هنوز بسیار بالاتر از بهای اصلی جواهر بود. در این حال زرگر اولی جنگ و جدلی با زرگر دومی آغاز می کرد و به او دشنام می داد که: «داری مشتری مرا از چنگم در می آوری؟ و از این گونه ادعاها. زرگر دوم هم به او تهمت می زد که: «می خواهی چیزی را که این قدر می ازد به چند برابر بفروشی و سر مشتری محترم کلاه بگذاری». خلاصه چنان قشقرقی به راه می افتاد و جنگی در می گرفت که مشتری ساده لوح که این صحنه را حقیقی تلقی می کرد بی اعتنا به سر و صدای زرگر اول، به مغازه زرگر دوم می رفت و جواهر مدنظر را بدون کمترین پرسش و چانه‌ای از او می خرید و نتیجه آن بود که مشتری ضرر می کرد و دوزر گر، سود به دست آمده را میان خود تقسیم می کردند. این جنگ که یکی از حيله‌های برخی زرگران برای فریفتن مشتری و فروختن زیورآلات به او در گذشته بوده است، رفته رفته در ادبیات فارسی به صورت اصطلاح درآمده است.

برگزاری مراسم ازدواج دسته جمعی در چین، عکس از رویترز



آماده سازی نمایشگاه گل و گیاه برای افتتاح در لندن عکس از گاردین



اقدام جالب یکی از کاندیداهای شورای شهر جوانرود کرمانشاه که بعد از رای نیارودن با لباس رفتگری، تبلیغاتش را از سطح شهر جمع کرد

« در ایران باستان اسب پیک در مراکزى به نام چاپارخانه با اسب تازه نفس تعویض می‌شد. بدین صورت سرعت انتقال اطلاعات از سرعت اینترنت من بیشتر بود!

من هر جایی که دیگه راهی برای حل مشکلات به ذهنم نمی رسه می خوام. نمی دونم چرا فکر می کنم بیدار که بشم همه چیز خود به خود حل میشه!

ولی خواهش می کنم سعی کنی یک کم تو کباب کوبیده گوشت بریز یی!

تیتراژ فیلمهایی رو که آی فیلم پخش می کنه نگاه کنی قبل اسم هر فرد یک زنده یاد گذاشته!

مواظب ناهار هایت باش زیرا که تبدیل به شام هایت می‌شوند. مواظب شام هایت باش زیرا که تبدیل به صبحانه‌ات می‌شوند!

ما زشت های یک عکس خوب اتفاقی ازمون گرفتن که همه جا ازش استفاده می کنیم!

« رفتم شیرینی فروشی بارو نور جعبه شو ۱۲۰ تا گره زد. گفتیم آقا اگر می خوای روش بنویس لعنت بر پدر و مادر کسی که شیرینی ها رو باز کنه!

« بابام میگه تو شب که می خوای بخوابی میگی ۸ صبح کلاس دارم، وقتی می خوام بیدارت کنیم میگی ساعت ۱۲ کلاس دارم، اوضاعش چه جو ریبه ؟

داشتن فکر می‌کردم که آدم های تنها لیوان لازم ندارند و می تونن آب رو با پارچ بخورن. بعدش متوجه شدم برای چایی لازمش دارند چون کسی با فوری چایی نمی خوره!

- اینستاگر دی



گپ و گفتی با منتظران اعلام نتایج کنکور ارشد!

+ خانم دکتر، از شمن ارشد نقطه آخرشه. اگر قبول شم دیگه زندگی می کنم.

- قبل از این هم نقطه های دیگه ای داشتی؟

+ منظور تون چیه؟

- برای کنکور تم همین جمله رو گفتی؟ مگه نه؟ یا حتی بعدتر برای آزمون کارشناسی؟

+ (می خنده). خب آره. اما شاید این فرق کنه و با تردید ادامه میده: فرق نمی کنه؟

- نه فرق می کنه تو قبل از این کلی نقطه داشتی، بعد از این هم کلی نقطه خواهی داشت.

زندگی یعنی همین جا، همین لحظه، همین نقطه. اگر این نقطه را دریافتی از نقطه های

بعدی هم لذت خواهی برد و اگر نه ...

لطفا برای زندگی دنبال نقطه نگردید...

دکتر المیرا لایق، روان شناس



- دی روزنامه

دو دو تا بیست و دو تا

نتایج انتخابات شورای شهر را می‌خواندم و حساب می‌کردم رای‌ها چند چند است و مظنه را بالا و پایین می‌کردم تا دستم بیاید اگر خودم کاندیدا شده بودم حدودا چقدر رای در سبدم جمع می‌شد. چشم افتاد به آخرین نفر فهرست کاندیداهای شورای شهر تهران که سرجمع ۱۰ رای آورده است. یعنی این شخص اگر همسر و فرزندان و پدر و مادر خودش، همسرش و خواهران و برادران خودش و همسرش، به جز باجناب‌هایش، هم بهش رای می‌دادند، باید بیشتر از این رای می‌آورد! چه برسد به دور دوم خانواده یعنی خاله و عمو و به ویژه شوهر عمه‌های نازنین. با خودم فکر کردم چطور شده این نامزد محترم این قدر رای آورده. شاید خواسته رای نشود و به هیچ کس نگفته و شبانه یواشکی رفته ثبت نام کرده و آن ۱۰ رای هم یکی خودش بوده، ۹ تای بقیه هم یا دوستانش بوده‌اند، یا رای دهنده‌های فداکاری که گفته‌اند حالا یک رای هم به این طفلک بدهیم که دست کم تعداد رای‌هایش دو رقمه شود یا دست شان لریزه و اشتباهی شبیه نام او را خط خطی کرده‌اند. حساب کردم خودم اگر کاندیدا می‌شدم، کم کمش ۱۰۰ نفر از فامیل رای می‌دادند، به‌جز آن پسر عمویم که چشم دیدنم را ندارد و دختر دایی‌ام که از بچگی می‌گفتند قرار است به پای هم پیر بشویم ولی نشدیم و باجنابم که مشهد نیست و اگر بود حتما در ستادم سنگ تمام می‌گذاشت! ۵۰ تا هم دوست و همکلاسی و همکار دارم که اگر نامردی نکند رای خواهند داد. ۱۰۰ تا هم «فالور و فرند و ممبر غیرفیک» در شبکه‌های مجازی دارم، لابد همان‌طور که در لایک‌زدن کوتاهی نمی‌کنند از رای دادن هم مضایقه نخواهند کرد. بقیه‌اش هم روی معرفت شما خواننده‌های جان حساب کنم، اگر منتخب شورای شهر نشوم، دست کم توی ۱۰۰ نفر اول لیست خواهم بود! ولی باید مراقب بود. نمی‌شود کشکی حساب و کتاب کرد و الکی روی هوا دل خوش کرد و کری خواند و طبق سلیقه خودمان جدول ببندیم و رتبه‌ها را بالا و پایین کنیم و خودمان را گول بزیم و خوشحال باشیم. به هر حال ما سرمربی تیم‌های لیگ برتر نیستیم که مو لای درز محاسبات‌مان تیرود و نیم اول لیگ برتر کنکور را به عنوان تیم دوم پایتخت معرفی کنیم و خودمان را تیم اول حساب کنیم!

علیرضا کاردار

- ماوشما

* من خیلی زندگی سلام را دوست دارم، به خصوص قسمت دی روزنامه‌رو. امیدوارم موضوعات بهتری بگذارد.

نگین، مشهد

* آقای امیرحسین خوشحال، اگر برات ممکنه به شعر طنز و باحال برای این ترامپ گور به گور شده بسرای!

*ممنون از مطلب گر به تیل. از شنیدن این گونه خبرها که درباره حمایت از حیوانات است، شادو امیدوار می شوم.

* میشه درباره خفن استریپ بیشتر توضیح بدین؟ من درست متوجه نشدم که این علایم به چه حروفی مربوط میشن؟

ایزدی

ما و شما: زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتم. بعدش هر حرف الفبیا رو به علامتی تبدیل کردیم. به طور مثال در مسابقه همین شماره، اگر هر کدوم از کلمات رو حدس می زدین، متوجه می شدین که علامت (جایگزین حرف ای) شده بوده یا علامت (جایگزین حرف ده) بوده و ...

* تشکر و خداقوت. لطفا مطالب را در صفحات طوری تنظیم کنید که جداسازی آن ها برای نگهداری و دسته بندی و استفاده موجب به هم خوردن مطالب صفحه پشتی نشود و بتوان خوب بهره برداری کرد، موفق باشید.

* کامیون یا تراکتور؟ ما که نفهمیدیم در بخش دور دنیا منظورتان کدام بود.

ما و شما: تراکتور! عذرخواهی از اشتباه پیش آمده!

* چقدر آشنایی توای عشق. در کدام روز؟ در کدامین کوچه؟ از شاهراه قلبم عبور کردی که من نفهمیدم.

* سلام به تمام همشهریان دوست داشتنی. امیدوارم که همیشه شاد و سلامت در کنار خانواده گرامی تون باشین. واسه بهداد کوچولو منم دعاکنید. ۳ ماهه که بدون مادر داره زندگی می کنه. قدر زندگیتون رو بدونید.

* دوست داشتن ات سحرخیزترین حس دنیاست که صبح ها پیش از باز شدن چشم هالم در می بیدار می شود. ایمان عزیزم سالگرد ازدواجمون مبارک.

پاسخ خفن استریپ شماره قبل: پیاده سازی - یخچال - بستنی

